

آسیب‌شناسی سکولار شدن حجاب با نگاهی به مسیرهای محتمل پیش روی جامعه دینی ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱/۲۲

تاریخ تأیید مقاله: ۹۲/۳/۲۰

محمد رضا عرب بافرانی*

نعیمه ملاحسنی**

چکیده:

سکولاریسم یا عرفی شدن، یکی از کمین‌های پیش روی هر جامعه‌ای است که مبنای جامعه مدرن را تشکیل می‌دهد. سکولاریسم بر روی ساختارهای جامعه تأثیر گذاشته، عرصه ایدئولوژی و افکار، خود را به عرصه سبک زندگی و ساخت‌های اجتماعی یک جامعه می‌رساند. یکی از پرسش‌های مطرح در سال‌های اخیر این است که آیا سکولاریسم می‌تواند به جوامع اسلامی وارد شود یا خیر؟ سکولاریسم می‌تواند پایه‌های تمام جوامع را نشانه گرفته، به صورت‌های مختلف بر روی آنها اثر بگذارد. ایران با دو خصیصه اسلامی بودن و پابندی به سنت، با سکولاریسم مواجه شده است. هر یک از این دو خصیصه بر روند سکولاریسم در ایران مؤثرند. این مقاله، به معناهای مختلف سکولاریسم و اشکال بروز آن در ایران پرداخته، نموده‌ها و بروزهای آن را مورد توجه قرار داده است تا روشن شود که سکولاریسم به عنوان یک جریان عمیق، در ساخت‌های جوامع اثر می‌گذارد. حجاب به عنوان یکی از نشانه‌های جامعه اسلامی می‌تواند به شدت مورد حمله سکولار قرار بگیرد، لذا در مقاله حاضر پس از مطالعه اسنادی مفهوم سکولاریسم و برشمردن مصادیقی از سکولار شدن حجاب، از طریق پرسشگری از نخبگان تلاش شد روندهای پیش روی سکولار شدن حجاب در جامعه دینی ایران بررسی شود. در نهایت، سه سناریو برای مسیرهای پیش رو بیان شد که در آنها بدترین و بهترین وضعیت پیش رو و وضعیت ادامه روندهای کنونی از منظر نخبگان مورد پرسش بیان شده است. محققان با دغدغه اعتلای سبک زندگی اسلامی مبتنی بر منویات مقام معظم رهبری، تلاش کرده‌اند موضوع خاصی از این حوزه را مورد مذاقه و بررسی قرار دهند که مبتنی بر نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌شود یک برنامه جامع و کلان مطالعاتی، راهبردی روی موضوع سکولار شدن و نیز سکولار شدن حجاب انجام گیرد.

واژگان کلیدی: سکولاریسم، عرفی شدن، سنت و مدرنیته، سکولار شدن حجاب، آینده‌های محتمل.

امروزه تغییر در سبک زندگی به خصوص در مناطق شهری و شکل‌گیری سبک‌های جدید زندگی، یکی از حوزه‌های جدی پیش روی جامعه ایران است. این تغییر سبک‌ها با تغییر در باورها، ارزش‌ها و گرایش‌های مردم روی داده است. باورها و ارزش‌های جدید، تبعات و اقتضائات خاص خود را به همراه دارد و سبب می‌شود افراد، تجربه جدیدی از زندگی داشته باشند. از آنجا که جامعه متشکل از افرادی است که در آن زندگی می‌کنند، بنابراین این ارزش‌ها و سبک زندگی افراد یک جامعه، ساخت اجتماعی و نظام‌های مختلف جامعه را تعریف می‌کند.

سبک زندگی از نحوه مصرف و بنیان‌های فرهنگی و دینی و اعتقادی یک جامعه متأثر است. بنابراین این، بر اساس نوع نگرش به هر یک از این موضوعات، سبک زندگی افراد تغییر کرده، متکثر می‌شود و همچنین می‌تواند رنگ و بوی جدیدی به خود بگیرد.

سبک زندگی رابطه تنگاتنگی با هویت افراد دارد. هر فرد خود را در ارتباط با محیط بیرونی خود تعریف می‌کند. بنابراین، ظهور ایدئولوژی‌ها و افکار جدید که معنای تازه‌ای به زندگی افراد می‌بخشد، بر روی سبک زندگی و به تبع آن، روی ساخت اجتماعی و هویت افراد تأثیر گذار است.

از این رو، شناخت و ارزیابی سکولاریسم به عنوان نظریه‌ای که بنیان‌های زندگی ایرانی را، که مبنای دینی دارد، نشانه گرفته است، در روند تحلیل و شناخت آینده جامعه دینی اهمیت بسزایی دارد. نیاز به شناخت مفهوم سکولار شدن، ابعاد آن و ترسیم آینده پیش روی جامعه دینی ایران در موضوع خاص (مانند حجاب)، موجب می‌شود دید دقیق‌تری نسبت به این مسئله و اثرات آن بر جامعه داشته باشیم.

پرسش‌های پیش روی این پژوهش عبارتند از: تعریف سکولار شدن چیست؟ ابعاد آن کدام است؟ سکولار شدن در موضوع خاصی مانند حجاب، چه نمودهایی دارد؟ وضعیت کنونی جامعه دینی ایران در موضوع سکولار شدن حجاب چگونه است؟ در صورت ادامه روندهای موجود، این وضعیت در افق ۱۴۰۴ چگونه خواهد بود؟ در صورت پیاده‌سازی چند سیاست کلان در این حوزه، چه تغییراتی در میزان سکولار شدن حجاب در افق ۱۴۰۴ وجود خواهد داشت؟

مروری بر ادبیات موضوع

سکولاریسم از نظر لغوی، ریشه در سکولاروم (لاتین) دارد که این واژه به معنای

سده، قرن و به طور خاص تر «زمان حاضر» است. در واقع؛ اصالت دادن به زمان حاضر و «این جهان» در برابر مفهوم «جهان ابدیت». این اصطلاح برای اولین بار توسط نویسنده بریتانیایی جورج هالی واک در سال ۱۸۴۶ استفاده شد. این پدیده اساساً غربی بوده، مولود شرایط اجتماعی، سیاسی و فکری مغرب‌زمین است. هر چند سکولاریسم را متعلق به دوران روشنگری می‌دانند، ولی ریشه‌های آن عمیق‌تر از این تاریخ است.

پدیده‌های فکری و اجتماعی تک‌بعدی نیستند. لذا برای شناخت آنها باید به مجموعه علل و عواملی که سبب شکل‌گیری موضوع در یک زمان خاص شده‌اند، اشاره داشت. در ماهیت سکولاریته، مفاهیمی نهفته است از جمله: اصالت دادن به انسان (اومانیزم) و مرکزیت قرار دادن او، برتری دادن به خرد نقاد او و عقل انسان و ادامه این روند تا هم‌وزنی و حتی برتری عقل نسبت به وحی. چنانچه جمله معروف آگوستین که «خرد ما، ایمان ماست»، در قرون وسطی توسط افرادی چون آنسلم، آبلار و راجر بیکن به شعار «ایمان ما، خرد ماست» تغییر می‌کند. در اینجا اولین نشانه‌های سکولاریسم در غرب و اندیشه‌های مسیحیت شکل می‌گیرد. (مرتضوی، ۱۳۸۸: ۳)

دوره روشنگری نقطه عطف یا اوج فرایند عرفی شدن دانسته شده است. دوره رنسانس و جریان پروتستانتیسم با محوریت دادن به انسان و اصلاح دینی مورد نظر لوتر در مسیحیت، سکولاریسم را تثبیت کرد و قوام بخشید. پروتستانتیسم، دین را از انحصار کلیسا به عنوان مجرای اصلی دین، خارج و کلیسا و کشیشان را به عنوان واسطه بین خدا و مردم، حذف کرد. پروتستانتیسم معتقد است «هر مسیحی، یک کشیش است با انجیلی در دست». خواندن و تفسیر و ترجمه کتاب مقدس را به عموم مردم واگذار کرده و بدین ترتیب، دین و دینداری از کلیسا خارج شد و به رابطه خصوصی هر فرد با خدا درآمد. این معنا از مهم‌ترین بروز و نشانه‌های سکولاریته است. البته اندیشه‌های خود مسیح، مانند این جمله از کتاب مقدس که: کار قیصر را به قیصر بسپار و کار خدا را به خدا نیز در شکل‌گیری و تسریع این روند بی‌تأثیر نبود.

سکولاریسم از دخالت دین در امور عمومی جامعه ممانعت کرده، خود را به صورت جنبشی به سوی مدرنیته و دور شدن از ارزشهای دینی نشان داده است. فلسفه سکولاریسم می‌گوید که زندگی با در نظر گرفتن ارزشها پسندیده است و این ارزشها و دنیا را با منطق و دلیل و بدون استفاده از تعاریفی مانند دین، خدا و ... بهتر می‌توان توضیح داد.

می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که سکولاریسم، مجموعه‌ای از گرایش‌های فلسفی (حسی، تجربی)، کلامی (تثلیث)، سیاسی (جدایی دین از حکومت)، اجتماعی و تاریخی است که

قائل بر آن است که به لحاظ منابع دینی، قوانینی که بتوان با استفاده از آنها خطوط کلی برنامه‌های زندگی را ترسیم کرد، یافت نمی‌شود.

این پدیده با بی‌اعتمادی نسبت به کلیسا و ایجاد تزلزل در قدرت کلیسا خود را نشان داد و بنا بر آنچه وبر در کتاب «اخلاق پروتستان‌تیزم و روح سرمایه‌داری» بیان می‌کند، زیربنای نظام سرمایه‌داری را پی‌ریزی کرد.

افرادی مانند هابرماس قائل بر این موضوع‌اند که سکولار در ابتدا، اصطلاحی حقوقی بوده و دلالت بر این امر داشته که اموال کلیسا را از دست آن خارج و به دولت ملی واگذار کند. بعدها افرادی مانند آگوست کنت از اصطلاح سکولار برای رهایی نهادهای اجتماعی از درون مذهب استفاده می‌کنند و کنت در ترسیم مراحل سه‌گانه تکوین جامعه، مرحله پوزیتیویسم را که در برگیرنده علم تجربی و سکولار شده است، به عنوان مرحله نهایی و غایی جامعه بشری معرفی می‌کند. (مرتضوی، ۱۳۸۸: ۱۲۶)

این موضوع در بین جامعه‌شناسان گسترش پیدا کرده، تا آنجا که پروبلماتیک اصلی افرادی مانند سنت سیمون و امیل دورکیم رابطه جامعه و امر دینی است. در نظر آنها، حیات دینی، موضوع مورد بررسی است نه خود دین. هر یک از متفکران در زمان خود در پی تغییر جامعه از حالت سنتی به مدرن و صنعتی بوده، اکثر آنها تحقق این امر را در دنیوی کردن و عرفی شدن جامعه می‌دانستند و قائل به پیشرفت با این سیستم بودند. انقلاب آمریکا و تدوین قانون اساسی فرانسه در سال ۱۸۷۵ و اعلام حکومت سکولار و غیر مذهبی، به لحاظ سیاسی و حقوقی این نظریه را تثبیت کرد و استحکام بخشید و به رکن اساسی در الگوی لیبرال دموکراسی برای اداره حیات انسان تبدیل شد.

بنای جامعه مدرن بر اساس سکولاریسم و مشاهده پیشرفته‌ها و فناوری‌های آن، این تصور را ایجاد کرد که این ایدئولوژی برای پیشرفت جامعه بشری مفید و مؤثر است. عرفی‌گرایی، نسخه تحمیلی غرب برای تمامی جوامع است و خود را به کشورهای اسلامی و دینی نیز وارد کرده است. به همین دلیل، شاهد حضور متفکران و نظریه‌پردازان مسلمانی هستیم که اگر چه تابع احکام دینی‌اند، اما به تأسیس و بنیان حکومت بر اساس سکولاریسم باور دارند؛ از جمله علی عبدالرازق که او را پدر سکولاریسم در کشورهای اسلامی می‌دانند. وی در ایران نیز طرفداران و پیروانی دارد. عبدالرازق معتقد است در هیچ جای قرآن و سنت، دلیل و شهادی بر سیاسی بودن اسلام و تشکیل حکومت دینی نداریم (عبدالرازق، ۱۳۸۱). این افراد، دنیوی کردن و عرفی شدن را راه خروج جوامع اسلامی از بن‌بست می‌دانند. در اینجا شاهد

بروز سکولاریسم اسلامی هستیم؛ زیرا این افراد معتقدند در دین شواهدی وجود دارد که راه ورود عرف به دین را باز می‌کند.

عرفی شدن به معنای ترسیم جهانی غیر قدسی در برابر جهان قدسی و دینی است؛ چرا که دین به عنوان امر قدسی شناخته می‌شود. از نظر جامعه‌شناسی نیز دین یک پدیده اجتماعی است و به عنوان امری اجتماعی تلقی می‌شود که مقتضیات زمانی و مکانی در شکل‌گیری آن مؤثر است و دین، محصول جامعه محسوب می‌شود. سکولاریسم همین امر مقدس را نشانه گرفته، مفهوم تقدس‌زدایی را در درون خود دارد. یکی از مسائل مطرح در این باب، طرح این پرسش است که آیا سکولاریسم می‌تواند به کشورهای اسلامی دخول پیدا کند یا بنا به ماهیت اسلام، سکولار می‌تواند با آن مواجه شود؟

در باره رابطه اسلام و سکولاریسم، به طور کلی سه نظر مطرح شده است:

۱. توافق و هم‌نشینی، میان اسلام و این پدیده غربی وجود دارد.
۲. تعارض بین دین و سکولاریسم، اعتباری ندارد و هر دو لازمه زندگی اجتماعی شمرده می‌شوند.
۳. تعارض ذاتی بین اسلام و سکولاریسم وجود دارد.

توصیف و تحلیل موضوع

سکولاریسم پدیده و جریانی است که خاستگاه غربی دارد، ولی می‌توان امروزه از آن به عنوان یک پدیده جهان‌شمول نام برد که از غرب به جوامع دیگر نیز سرایت کرده است. سکولاریسم خود را منقطع نشان داده و در هر جامعه‌ای، بومی شده و رنگ و بوی خاصی به خود گرفته است.

ایران با دو خصیصه با سکولاریسم مواجه شده است. نخست، سنت ایرانی قوی؛ مردم ایران پایبند به سنت‌اند و هنوز نیز این پایبندی را تا حدی حفظ کرده‌اند. البته این سنت، در برخورد با مظاهر مدرنیته به مرور زمان، رنگ و بوی تازه‌ای به خود گرفته است و دوم، اسلامی بودن؛ اسلام به عنوان دین رسمی در ایران و تشکیل حکومت دینی، ساختار متمایزی به جامعه ایران بخشیده است. جامعه دینی ایران در برخورد با سکولاریسم، معنای جدیدی به آن بخشیده و از طرفی، خود نیز تحت تأثیر قرار گرفته است. هر چند انقلاب اسلامی نقشی مؤثر و خاص بر روی روند سکولارشدن دینی جامعه ایران داشته و مانعی جدی برای این آسیب دینی بوده است، ولی با این حال، به نظر می‌رسد جریان سکولاریسم و

سکولاریزاسیون در مواجهه با انقلاب و رویکردهای دینی جامعه ایران، تغییر ماهیت داده، شاهد بروز شکل جدیدی از سکولار شدن در ایران هستیم؛ پدیده‌ای که منجر به ایجاد دغدغه جدی در میان مسئولان نظام، از جمله مقام معظم رهبری برای مواجهه با آن شده است. سکولاریسم را در ایران می‌توان به معنای «عرفی شدن» و «دنیوی شدن» دین دانست. در این معنا، دین، با سنت و عرف جامعه تطبیق داده می‌شود و نه عرف با دین. جایگاه دین در نزد افراد تنزل پیدا کرده، معانی و مفاهیم موجود در دین بازتعریف می‌شوند. امروزه لذت‌طلبی و بهره‌برداری هر چه بیشتر از طبیعت و مواهب دنیوی، به یک ارزش برای انسانها تبدیل شده و جوامع سعی دارند تا این لذت‌طلبی را در ساختارهای خود وارد کنند. در برخورد سنت با لذت‌طلبی، شاهد کم‌رنگ شدن و تغییر شکل دادن سنت هستیم؛ زیرا یکی از مهم‌ترین خصوصیات سنت این است که ساده نیست. غرب‌گرایی و مدرن بودن، نوعی از سادگی را با خود به همراه دارد که برای عموم افراد دلپذیر است. برای مثال، امروزه تقابل شعر هایکو با شعر سنتی ایرانی دیده می‌شود. فهم اشعار حافظ و مولانا نیاز به دانش ادبی و اطلاعات دارد و حتی روان‌خوانی این اشعار نیز نیاز به سواد و مهارت دارد؛ در حالی که اشعاری مانند هایکو، در چند کلمه خلاصه شده و معنای ساده‌سازی را به صورت غنی با خود به همراه دارند. برای اینکه بتوان سنت را مانیفستی کرده و آن را همچنان در بین نسل جدید نیز حفظ کرد، نیاز به ساده‌سازی است. اما برخورد لذت‌طلبی هر چه بیشتر با دین، نتیجه‌ای جز دنیوی کردن دین به دنبال نخواهد داشت.

این عرفی شدن و دنیوی شدن، همان مفهومی است که در پی مظاهر و مصادیق آن در جامعه دینی ایران هستیم. آنچه به طور کلی در دنیوی شدن دین اتفاق می‌افتد، قلب معنا و دگرگونی مفاهیم است. همان طور که پیش از این اشاره شد، بازتعریف مفاهیم بر اساس برداشت‌ها و نیازهای خود، در امر دینی اتفاق می‌افتد و موجب دگرگونی مفاهیم می‌شود. زمانی که زندگی افراد بر اساس این مفاهیم جدید شکل می‌گیرد؛ مفاهیمی که به دلیل سادگی و وجه لذت‌طلبی‌شان خیلی زود خود را ترویج می‌دهند، سبک زندگی جدیدی شکل می‌گیرد. در اینجا می‌توان ادعا کرد که سبک زندگی ما روی به سوی سکولار شدن یا به مفهوم بومی آن، عرفی شدن دین دارد. پس می‌توان اولین بروز و ظهور عرفی شدن دین را انحراف کارکردی عناصر دینداری دانست. این موضوع می‌تواند با قلب معنا همراه شود. برای مثال می‌توان به مسابقات دینی در تلویزیون اشاره کرد. باید به این معنا توجه داشت که دین به معنای یک موقعیت متفاوت شناخته می‌شود؛ موقعیتی که در علوم اجتماعی تحت عنوان

تفاوت امر قدسی و غیر قدسی مطرح می‌شود. دین یک امر قدسی است که باید موقعیت خود را حفظ کند. مسابقات دینی در تلویزیون؛ یعنی غیر قدسی کردن امر دینی؛ زیرا آن را از مجرا و جایگاه خود جدا کرده و در جایی که محل بروز و ظهور آن نیست، معرفی می‌کند. در واقع؛ آن را امری دم دستی معرفی کرده، جایگاه آن را تنزل می‌دهد. با یک دیدگاه آسیب‌شناسانه می‌توان نتیجه این امر را انحراف کارکردی این برنامه‌ها معرفی کرد. برنامه‌ای که برای ترویج و آشنایی مردم با امر دینی ساخته می‌شود، کارکردش این می‌شود که بار معنایی دین را تهی کرده، آن را تبدیل به یک امر غیر قدسی می‌کند.

تلویزیون خود یکی از عناصری است که تأثیر بسیار زیادی در عرفی شدن دین داشته و برنامه‌های آن در ترویج این معنا تأثیرگذار بوده است. در تأیید این مطلب می‌توان به انتقادهای پیاپی رهبر انقلاب، مجلس خبرگان و بسیاری از مراجع نسبت به وضعیت کنونی رسانه ملی در کشور اشاره کرد.

مفهوم دولت ملی، یک دولت سکولار است؛ حتی اگر به خود، دولت دینی بگویید؛ زیرا در دولت ملی، مفهوم ملت و ملیت به طور خاص مورد تأکید است که نمی‌تواند با مفاهیم دینی به طور اتم جمع شود. دولت ملی خود را در برابر مفاهیمی همچون: آزادی، دموکراسی، حضور زنان در جامعه و ... تعریف می‌کند که با مفاهیم دینی قابل جمع نیست. برای مثال، دولت ملی که با دین پیوند خورده، سعی در ترویج حجاب دارد. اما از طرف دیگر، خود دولت ملی، زنان را وارد سیستم اجتماعی می‌کند؛ سیستمی که امروز قابل بازگشت به گذشته و خالی کردن صحنه اجتماعی و دانشگاه‌ها از حضور زنان نیست. حضور زنان در صحنه اجتماعی نیاز به آزادی حرکتی، رفتاری، بیان و ... دارد. پس مفهوم حجاب تغییر شکل داده، صور گوناگونی به خود می‌گیرد و از اینجاست که تضادها شکل می‌گیرند.

از دیگر مصادیق قلب معنا را می‌توان از تحلیل محتوای گفتگوها و کلام افراد به دست آورد. امروزه بردن نام خداوند و ائمه(ع) برای گذران زندگی روزمره، فروش کالا یا به اصطلاح، راه افتادن کار، به وفور استفاده می‌شود. قسم خوردن و استفاده از اسامی‌ای که بار قدسی دارند و استفاده از آنها تا پیش از این نوعی از تابو را با خود به همراه داشته، به سادگی مورد استفاده قرار می‌گیرد. قسم خوردن دیگر لزوماً تأییدی بر صدق کلام نیست و چه بسا بار معنایی آن تغییر یافته است. عده‌ای معتقدند که قسم خوردن، نشانه‌ای بر ترس و دروغ است؛ زیرا سخن راست نیازی به قسم ندارد.

خود مفهوم مقدس و امر قدسی از مفاهیم دینی جدا شده و سکولار شده‌اند. امروزه در



کشورهای جهان، تعبیری مانند خاک مقدس، پرچم مقدس، ساحت مقدس خانواده و ... وجود دارد، که بار دینی ندارند، ولی مقدس محسوب می‌شوند. در خانه‌های امروزی که از سادگی دینی جدا شده و مظاهر تجمل و غرب‌گرایی را در خود دارند، تابلو فرش‌هایی از آیات قرآن با قیمت‌های بالا دیده می‌شود. در اینجا آیات قرآن تنها مظاهری صوری و ظاهری برای ابراز دینداری به حساب می‌آیند که برای تزیین و زیبایی به دیوار نصب می‌شوند و در انتخاب آنها، نوع قاب، رنگ و طرح اهمیت بیشتری دارد و باید رنگ آنها با رنگ پرده و فرش و ... همخوانی داشته باشد.

آنچه اتفاق افتاده، کالایی شدن دین است که از دیگر وجوه بروز سکولاریسم در ایران است. دین به کالایی برای مصرف تبدیل شده است. دین در معنای ذاتی و اصیل خود معنایی ندارد، بلکه وجه کارکردی و مصرفی آن مورد توجه است. دین مردمی، خاصیت منفعت‌گرایانه دارد. آنها برای سود و کسب منفعت زندگی خود، دین را مورد استفاده قرار می‌دهند. پررنگ شدن موضوعاتی چون نذر و طلب حاجت، سفره انداختن و ... گواه بر این مدعاست. نامگذاری اعیاد مذهبی به روزهایی چون: روز مادر، پدر، دختر، پرستار و ...، تبدیل کردن این اعیاد به کالاهایی برای مصرف است که توجهات از بُعد دینی و مذهبی آن، به ابعاد مصرفی چون: خرید هدیه و ... منحرف شود. سیاست مصرف‌گرایی که در تمام ابعاد زندگی ما رخنه کرده است، خود را در دین نیز وارد می‌کند. تبدیل سفرهای زیارتی به تفریح، تبدیل مراسم افطاری به مهمانی‌های خانوادگی، تبدیل مراسم عزاداری به پاتوق‌های جمعی (هر چند خودشان کارکردهای مثبتی داشته باشند)، از دیگر مصادیق کالایی شدن دین محسوب می‌شوند. عرفی شدن دین، خود را در انتخابی شدن دین نیز نشان می‌دهد. دین به عنوان یک بسته در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه منابع معرفتی متکثر شده و افراد، بر اساس منافع و حتی صلاح‌دید خود، دین را انتخاب می‌کنند.

وقتی دین انتخابی می‌شود، حوزه استفاده از آن محدود شده و وجه شخصی به خود می‌گیرد. در این زمان است که سکولاریسم خود را به طور خاص نشان می‌دهد. اختصاص دین به حوزه شخصی و جدا کردن آن از حوزه اجتماعی، سبب می‌شود تا بروز و جلوه‌های دینداری، متکثر شود. دیگر نمی‌توان یک نوع از پوشش را به عنوان پوشش رسمی و معیار کشور اسلامی مطرح کرد؛ زیرا دین مختص به حوزه شخصی افراد است و لزومی به بروز و جلوه بیرونی ندارد. در اینجا معیارهای دینداری و بی‌دینی دستخوش تغییر شده و هر کسی می‌تواند خود را دیندار معرفی کند.

همراه شدن حکومت با دین و تشکیل حکومت اسلامی، مسیرها و جنس عرفی شدن را در ایران متفاوت کرده است. افرادی هستند که دین را حکومتی می‌بینند؛ پس برای اعلان جدایی خود از حکومت، با دین مخالفت می‌کنند. در ایران، دین مردمی، حکومتی شده و این سبب تداخل معانی و مفاهیم و ارزشها شده است. در واقع؛ دین با یک قرائت سیاسی همراه شده است؛ لذا افرادی برای مخالفت با حکومت، سردمدار جدایی دین از حکومت می‌شوند، که خود از مفاهیم سکولار به حساب می‌آید.

حجاب به لحاظ اعتقادی؛ یعنی اینکه فرد رابطه خود را با بدن خود تعریف کند و در واقع؛ شکل بروز و ظهور اجتماعی خود را (خارج از خلوت فردی، که می‌تواند درون یک خانواده یا جامعه باشد) مشخص کند. زمانی این حجاب دینی و اعتقادی مطرح می‌شود که فرد، شکل محتوایی آن را با شکل محتوایی دین رسمی و حتی وجه محتوایی سنت و فرهنگ جامعه خود همراه کند. در هر یک از این سه ضلع، اگر وجه محتوایی تبدیل به حفظ ظاهر و فرم و صورت شود، حجاب و پوشش از بُعد دینی و اعتقادی خارج شده، شکل عرفی شدن و دنیوی شدن می‌گیرد.

در جامعه مدرن، حجاب شکل صوری به خود گرفته است. در ایران نمی‌توان گفت چادر برای زنان معنای خاصی با خود دارد یا الگوی دینداری را به طور کامل می‌رساند؛ زیرا چادر و حجاب، الگوی رسمی است که باید در بسیاری از موارد رعایت شود. حتی چادر می‌تواند بخشی از سنت و فرهنگ افراد باشد که به او نشان داده شده و حال فقط فرم آن توسط افراد حفظ می‌شود. اما همین چادر در شهری مانند تهران که الگوها و انواع مختلفی از حجاب در آن جریان دارد، زمانی می‌تواند نشان‌دهنده اعتقاد و دینداری افراد باشد که افراد، آن را به عنوان یک عنصر هویتی تعریف کنند. البته در اینجا هم حجاب، وجه ابزاری و نمادین به خود می‌گیرد.

روند تحول حجاب در ایران

پیش از انقلاب اسلامی تلاش برای غربی کردن مردم و به خصوص ابزاری کردن زن، در اوج خود بود. بی‌بند و باری و فساد، قانون کشف حجاب و کشیدن چارقد از سر زنان، حضور زنان به صورت نیمه‌عریان در فیلمها و تبلیغات تلویزیونی و ... زن را به کالایی برای مصرف تبدیل کرده بود. در این میان، زنان و خانواده‌های معتقد و پایبندی بودند که برای حفظ حجاب خود، خانه‌نشینی پیشه کردند.

با وقوع انقلاب اسلامی، حجاب و اجرای موازین اسلامی، یکی از مطالبات جدی مردمی به حساب می‌آمد. در آن زمان، زنان سعی در بازتعریف خود داشته، طالب تغییر جایگاه خویش بودند. در اوایل دهه ۶۰، حجاب در ایران اجباری شد. در این زمان شاهد مقاومت عده معدودی از زنان هستیم که خواستار آزادی حجاب بودند. گرچه با ایستادگی امام(ره) و راهپیمایی‌های دختران دانشجو و سایر اقشار زنان و تأکید بر حجاب، آنها نتوانستند کاری از پیش ببرند، اما بی‌شک فعالیت‌ها و تبلیغات آنان متوقف نشد. در مجموع، انقلاب اسلامی مانعی بزرگ و جدی سر راه سکولارشدن دینی ایران ایجاد کرد و در برهه‌هایی از زمان حتی روند سکولارشدن کاملاً برعکس شد.

در دهه ۶۰، به دلیل شرایط خاص کشور (وقوع جنگ تحمیلی و ترورهایی که صورت می‌گرفت) ارزش‌های حاکم بر جامعه، متفاوت و جو دینی در کشور زیاد بود. در واقع؛ شرایط جنگ همه چیز را تحت تأثیر قرار داده بود.

با شروع دهه ۷۰ و آرامش نسبی در فضای کشور، مسائل جدیدی مطرح شد که با روی کار آمدن دولت دوره سازندگی و اصلاحات به اوج خود رسید. متأسفانه در دوران ۱۶ ساله مذکور، بیان شعار آزادی و بد فهمی و عملکرد نادرست جامعه نسبت به مفهوم آزادی، مواجهه بیشتر کشور با غرب و شدت گرفتن روند مدرنیته، رونق اینترنت و ماهواره و تلفن همراه و ... سبب شد تا همه چیز رنگ و بوی جدیدی به خود بگیرد. جامعه دینی ایران نیز در همین راستا دستخوش تغییر قرار گرفت. شاید یکی از دلایل تأکیدات فراوان رهبر انقلاب و بسیاری از دلسوزان و مراجع و علما نسبت به وضعیت کنونی فرهنگی جامعه را بتوان مؤید نگرانی ایشان در خصوص همین موضوع دانست.

البته باید به این نکته توجه داشت که برخی از موارد پیش گفته، پدیده‌های جهانی‌اند و تنها مربوط به ایران نمی‌باشند. ولی همان طور که گفته شد، وجود سنت قوی و دین رسمی اسلام در ایران، مواجهه ایران را با این پدیده‌ها خاص می‌کند.

هم اکنون و پس از گذشت سه دهه از انقلاب اسلامی، ما با چه پدیده‌هایی در زمینه حجاب در جامعه دینی ایران روبه‌رو هستیم؟ گزاره‌هایی که شاید بتوان بسیاری از آنها را نمود کامل سکولار شدن دینی دانست، بعضاً در گفتگوهای روزمره افراد بی‌حجاب جامعه شنیده می‌شود. امروزه پدیده‌ها و گزاره‌هایی دیده می‌شود که نمونه‌های آن عبارتند از:

- رفته‌رفته، حجاب به عنوان یک امر سنتی تلقی می‌شود که برای مدرن شدن، باید آن را حذف کرد.

- از نظر بسیاری از بدحجابان، دین و در پی آن حجاب، به عنوان یک امر شخصی محسوب می‌شود.
- در دین شخصی و انتخابی‌شده، حجاب و حفظ ظواهر دین اهمیتی ندارد! مهم، ایمان و دل پاک است.
- گاهی دیده می‌شود که تعابیر دینی، انتخابی و بر اساس میل افراد بیان می‌شوند؛ تعابیری مانند:
- «منافی رحمت خداوند است که کسی را برای چند تار مو به آتش بیندازد».
- «مهم، گفتگو با خداست. پس می‌توان بدون وضو و نشسته هم با خدا صحبت کرد».
- «قرآن عربی برای اعراب است. ما می‌توانیم حتی نماز را به فارسی بخوانیم».
- حجاب در حال تبدیل شدن به یک نماد برای حضور در ادارات شده است.
- آزادی ارتباط بین دختر و پسر بیشتر شده است.
- دوستی در بین دختران و پسران مذهبی بعضاً دیده می‌شد.
- پدیده بدحجابی تعبیر از حجاب را مورد تهاجم قرار داده و نمی‌توان از دو قطب دیندار و بی‌دین (باحجاب و بی حجاب) سخن گفت.
- مظاهر حجاب، متکثر شده و وجود انواع چادرها، روسری‌ها، شیوه‌های بستن روسری و...، مرز میان حجاب و بی حجابی را از میان برده است.
- حجاب در حال از دست دادن کارکرد اصلی خود که حفظ زنان از نگاه نامحرم و عدم جلوه‌نمایی و جلب توجه است، می‌باشد.
- رفته رفته آرایش به عنوان بی حجابی محسوب نمی‌شود و در بین زنان باحجاب و مذهبی نیز رواج یافته است.
- اعتقاد به این موضوع رواج یافته است که: «آدم را از هر چه منع کنی حریص تر می‌شود. پس حجاب، تنها مردان را حریص تر می‌کند».
- روندهایی از بازگشت به عقب و تبدیل زن به ابزاری برای مصرف، تبلیغات و ... دیده می‌شود.
- رواج توهین و تحقیر افراد باحجاب در جامعه اسلامی (تعابیری چون کلاغ سیاه و ... دیده می‌شود.
- بنابر این، شاهد بروز یک قلب معنا و به تعبیر عام‌تر، عرفی شدن بحث حجاب در جامعه ایران هستیم. برای کنکاش و بررسی این موضوع در آینده، کار آینده‌پژوهی با در نظر گرفتن محورها و مصادیق عرفی شدن حجاب و عوامل مرتبط با آنها انجام گرفته است.



روش‌شناسی

روش تحقیق حاضر، کتابخانه‌ای و نظرسنجی است. با استفاده از مرور تفصیلی مطالعات پیشین و یافته‌های صاحب‌نظران در زمینه تعاریف سکولار شدن و مصادیق آن در حوزه حجاب، سعی شده است از دستاوردهای صاحب‌نظران در پاسخگویی به مسئله استفاده شود. روش اصلی پاسخ به پرسش‌های تحقیق، نظرسنجی از چند متخصص باتجربه در موضوع است. پرسش‌هایی از دل نظریات، دیدگاه‌ها و مطالعات پیشین، استخراج و بر اساس الگویی از پرسشنامه دلفی و با رویکرد سناریوهای آینده، به چند تن از اساتید و متخصصان ارائه شد. در نهایت، سه نفر از اعضای جامعه نمونه پاسخ دادند. متخصصان علاوه بر پاسخ به پرسشها، دیدگاه‌های خاص خود را نیز ضمیمه کرده‌اند. دکتر سام آرام، دکتر لطیفی و دکتر وصالی (اعضای هیئت علمی برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی) سه متخصص پاسخگو می‌باشند.

در رویکرد سناریوپردازی این پژوهش، پنج سیاست کلان به عنوان سیاست‌های محتمل اجرایی طی سال‌های آتی در مسئله حجاب طرح شده و نتایج حاصل از اجرای این سیاست‌ها بررسی می‌شود. خطوط کلی این سیاست‌ها عبارتند از:

۱. بازسازی جایگاه دین در جامعه (افزایش تقید به تقلید، تصحیح نگاه جامعه به دین و حکومت دینی، ترویج بروز اجتماعی دینداری).

۲. تدوین الگوهای جدید نو شدن به جای الگوی مدرن شدن و بسط آن در جامعه.

۳. آگاهی‌بخشی (نسبت به نقش زن و مرد، مفهوم حقیقی آزادی و حقیقت حجاب).

۴. تقویت بنیان خانواده و ارزش‌های آن.

۵. الگوسازی صحیح رسانه‌ای در خصوص حجاب و نگاه به آن.

در صورت اجرای این سیاست‌ها، با چند سناریوی مختلف در افق ۱۴۰۴ روبه‌رو خواهیم بود. در این پژوهش، سه افق به صورت ویژه مورد بررسی قرار گرفته‌اند که عبارتند از:

۱. سناریوی حاصل از اجرای صحیح سیاست‌ها و دستیابی به آثار مطلوب آن (بهترین سناریو).

۲. سناریوی حاصل از عدم اجرای صحیح سیاست‌ها و عدم دستیابی به آثار مطلوب (بدترین سناریو).

۳. سناریوی ادامه روند کنونی (استماع نظر نخبگان در خصوص روند ۲۵ سال گذشته و مسیر پیش روی آن در سال‌های آینده).

یافته‌های تحقیق

با جمع‌بندی نهایی نظر متخصصان پاسخ‌دهنده، موفق به ترسیم روندهای گذشته تا کنون در پنج موضوع گفته شده در خصوص مصادیق سکولار شدن حجاب و نیز ترسیم سه سناریوی پیش روی جامعه دینی ایران در افق ۱۴۰۴ شدیم. در ادامه، هر یک از این سه سناریو به تفصیل توضیح داده خواهند شد.

سناریوی ۱: ادامه روند کنونی (استماع نظر نخبگان در خصوص روند ۲۵ سال گذشته و مسیر پیش روی آن در سال‌های آینده)

از نظر نخبگان، روندهای ۲۵ سال گذشته در خصوص سکولار شدن حجاب به شرح ذیل بوده و در سال‌های آینده نیز در ادامه همین روندها خواهیم داشت:

- در موضوع خودنمایی زنان، از نظر متخصصان، روندهای افزایشی موجود در ۲۵ سال گذشته، در سال‌های آینده نیز ادامه داشته و در مجموع، خودنمایی زنان در جامعه افزایش می‌یابد. از نظر ایشان، تقلید به تقلید در جامعه کمتر شده، سن ازدواج افزایش یافته، استفاده از اینترنت و ماهواره با اثرات منفی خود افزایش خواهد یافت.

- از نظر متخصصان، روند ۲۵ سال گذشته در خصوص سنتی و ضد مدرن دانستن حجاب، نه افزایشی بوده و نه کاهش‌ی و رویه‌ای ایستا داشته است که این امر در ۱۵ سال آینده نیز ادامه خواهد یافت.

- از نظر متخصصان، روند ۲۵ سال گذشته در خصوص شخصی دانستن حجاب، افزایشی نبوده است؛ ولی در ۱۵ سال آینده افزایشی خواهد بود. لذا هیچ کس دخالت دیگران را در انتخاب نوع پوشش خود به راحتی نخواهد پذیرفت.

- از نظر متخصصان، با وجود آنکه در سال‌های گذشته روند افزایشی در خصوص تکثر حجاب دیده نمی‌شود، ولی این امر در ۱۵ سال آینده به چشم خواهد خورد؛ چرا که به نظر می‌رسد در ادامه روندهای موجود، حجاب به یک امر شخصی بدل شده، کاملاً سلیقه‌ای با آن برخورد خواهد شد.

- پیش‌بینی متخصصان آن است که روند افزایشی ۲۵ سال گذشته در توجه عمومی به حجاب، در ۱۵ سال آینده نیز ادامه خواهد داشت. در چنین حالتی، با وجود تبدیل شدن حجاب به دغدغه فرهنگی و کنترل مخالفت علنی با دین، همچنان احساس خطر از بی‌حجابی و عواقب آن و نیز توجه عمومی به این مسئله افزایش می‌یابد.

سناریوی ۲: اجرای صحیح سیاست‌ها و دستیابی به آثار مطلوب آن (بهترین سناریو)

در نتیجه اجرای صحیح سیاست‌های پیش گفته، عوامل مؤثر بر سکولار شدن حجاب به صورت ذیل تغییر می‌کنند:

- تقیّد به تقلید در جامعه افزایش خواهد یافت؛ مفاهیم دینی مبتنی بر احکام فقهی فهم می‌شود؛ حجاب (به تبعیت از دین) به امری قدسی بدل می‌شود؛ بروزهای اجتماعی دینداری، مانند امر به معروف و نهی از منکر فراگیر می‌شود؛ مردم فهم درستی از جایگاه حکومت و دین می‌یابند و به جای دین حکومتی، حکومت دینی را فهم کرده، حجاب را مظهر دینی و نه مظهر سیاسی می‌دانند؛ مرزهای دینداری و بی‌دینی مشخص شده، افراد دیندار از نظر ظاهر نیز در جامعه مشخص خواهند بود؛ مخالفت علنی با دین در جامعه وجود نخواهد داشت.

- الگوی نو شدن بومی و اسلامی رواج خواهد یافت؛ تمایل به غرب در جامعه کاهش می‌یابد؛ استفاده از الگوهای غربی کم می‌شود.

- تمایل زنان به شبیه شدن به مردان، کاهش می‌یابد.

- بنیان خانواده، استوار و ارزشهای آن تقویت می‌شود؛ طلاق در جامعه کاهش می‌یابد.

- سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، کاملاً صحیح و مبتنی بر اصول کلان انجام می‌شود؛ رویه صداوسیما و رسانه‌ها به گونه‌ای می‌شود که الگوسازی درستی از زنان محجبه خواهد کرد.

- فهم درستی از آزادی به دست آمده و ظرفیت آزادی به دور از بی‌بندوباری در جامعه وجود خواهد داشت؛ فساد در جامعه کم می‌شود.

- مردم از تأثیرات بی‌حجابی بر روی جامعه آگاه می‌شوند.

- حضور زنان در جامعه به سمت حوزه‌هایی می‌رود که بتوانند با استفاده از حجاب کامل و مناسب به فعالیت بپردازند.

با این حال همچنان موارد ذیل را شاهد خواهیم بود:

- استفاده از اینترنت و ماهواره زیاد می‌شود؛ ارزش‌ها و هنجارهای جامعه با گسترش این رسانه‌ها رو به تغییر می‌نهد. الگوهای زیبایی‌شناختی جامعه تحت تأثیر اینترنت و ماهواره تغییر می‌کند.

- حضور دختران در دانشگاه‌ها رو به افزایش خواهد بود.

- سن ازدواج بالا خواهد رفت.

- ارزش‌های مردان تغییر کرده، مانعی برای تغییر حجاب همسرانشان نخواهند بود.

(غیرت کم می‌شود).

- تمایل به شخصی شدن دین بیشتر می‌شود.

- جامعه‌پذیری، متفاوت از گذشته (مثلاً در جاهایی مثل مهدکودک، اینترنت و ...) افزایش خواهد یافت.

- ورود مسئولان سیاسی در کنار علما و مراجع دینی به موضوع حجاب افزایش می‌یابد.
- احساس خطر از عواقب وضع موجود زیاد شده، نیاز بیشتر به گسترش کار فرهنگی در امر حجاب بیشتر احساس می‌شود.

در مجموع، در بهترین سناریو پیش‌بینی می‌شود که در افق ۱۴۰۴:

• هر چند زنان همچنان به دلیل تأخیر در ازدواج و حضور اینترنت و ماهواره، تمایل به خودنمایی دارند، ولی به دلیل خودکنترلی جامعه (ناشی از امر به معروف و نهی از منکر) تا حد زیادی روند ایستا در خودنمایی زنان دیده خواهد شد.

• به دلیل تغییر الگوهای نو شدن در جامعه، سنتی بودن حجاب از بین رفته و نگاه به آن، فارغ از ارزشگذاری سنت - مدرنیته شده و روند کاهشی دیده خواهد شد.

• همچنان حجاب به عنوان امری شخصی تلقی شده و در این امر، شخصی شدن دین نقش بسزایی دارد؛ مجموع سیاست‌های موجود در فرض این نوشتار نیز نمی‌تواند مانع از این امر شوند. مهم‌ترین نکته در این موضوع، قلب معنا و تغییر مفاهیم است که ساخت‌های اجتماعی بر اساس آنها شکل گرفته و ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را شکل می‌دهد. زمانی که در مفهوم دین، معنای شخصی شدن رسوخ کرده، سازمان دینی بر این اساس شکل گرفته و هر آنچه مرتبط با این موضوع باشد، تغییر معنا می‌یابد.

• مجموع تغییرات پیش رو، هر چند تلقی کلی از حجاب را از «نوعی پوشش» (که قابلیت جلب توجه دارد) به «برترین پوشش» (که هدف آن عدم جلب توجه است) تغییر خواهد داد، ولی همچنان مظاهر متکثر و گونه‌های مختلفی از حجاب را شاهد هستیم. با این حال، پیش‌بینی می‌شود با توجه به عقلانیت و معنویت حاکم بر جامعه، این تکثر پوششی، در مرز حداقلهای دینی تعریف شود.

• با وجود حرکت جامعه به سمت نوعی عقلانیت در موضوع حجاب، همچنان بحث حجاب و پوشش، در حوزه مسائل اصلی جامعه قرار خواهد داشت. می‌توان روند ایستا را در این خصوص در نظر گرفت.

سناریوی ۳: سناریوی حاصل از عدم اجرای صحیح سیاست‌ها و عدم دستیابی به آثار مطلوب (بدترین سناریو)

در نتیجه عدم سیاستگذاری مناسب و اجرای صحیح آن (با فرض عدم اجرای پنج



سیاست این پژوهش) سناریوهای پیش روی جامعه که بدترین سناریوها در حوزه سکولار شدن حجاب خواهند بود عبارتند از:

- تقیّد به تقلید در جامعه کم می‌شود؛ دین از حالت امر قدسی خارج شده، به امر شخصی تبدیل می‌شود و در نتیجه، بروندهای اجتماعی دین از بین خواهد رفت؛ مردم به جای فهم حکومت دینی، دین حکومتی را (به اشتباه) فهم کرده و در نتیجه، کسانی که انتقادی به حکومت داشته باشند، حجاب را کنار می‌گذارند؛ مرزهای دینداری و بی‌دینی مشخص نمی‌شود و نمی‌توان از روی ظاهر، تفاوتی بین افراد دیندار و بی‌دین تشخیص داد (تکثر بسیار زیاد و همه‌جانبه حجاب)؛ در جامعه، مخالفت علنی با دین حساسیت برانگیز نخواهد بود.

- الگوی بومی ارائه نشده و الگوهای مدرن شدن غربی در جامعه رواج می‌یابد. در نتیجه، تمایل به غرب افزایش می‌یابد.

- تمایل زنان به شبیه شدن به مردان افزایش می‌یابد.

- بنیان خانواده، از هم پاشیده و طلاق روز به روز افزایش می‌یابد.

- سیاست‌های فرهنگی در جهت کاهش حجاب بوده و رویه رسانه‌ها نیز الگوهای ناصحیح از حجاب خواهد بود.

- آزادی با بی‌بندوباری برابر فرض می‌شود و در نتیجه، فساد در جامعه افزایش خواهد یافت.

- استفاده از اینترنت و ماهواره زیاد می‌شود؛ ارزش‌ها و هنجارهای جامعه با گسترش این رسانه‌ها رو به تغییر می‌نهد؛ الگوهای زیبایی‌شناختی جامعه تحت تأثیر اینترنت و ماهواره تغییر می‌کند.

- حضور دختران در دانشگاه‌ها رو به افزایش خواهد بود.

- سن ازدواج بالا خواهد رفت.

- ارزش‌های مردان تغییر کرده، مانعی برای تغییر حجاب همسرانشان نخواهند بود. (کم شدن غیرت)

- تمایل به شخصی شدن دین بیشتر می‌شود.

- جامعه‌پذیری، متفاوت از گذشته (مثلاً در جاهایی مثل مهدکودک، اینترنت و ...) افزایش خواهد یافت.

- ورود مسئولان سیاسی در کنار علما و مراجع دینی به موضوع حجاب افزایش می‌یابد.

- احساس خطر از عواقب وضع موجود زیاد شده، نیاز بیشتری به گسترش کار فرهنگی

در امر حجاب احساس می‌شود.

در مجموع و در بدترین سناریو، پیش‌بینی می‌شود که در افق ۱۴۰۴:

- خودنمایی زنان در جامعه (به دلیل الگوهای غربی و نبود خودکنترلی جامعه) به طور روز افزونی افزایش می‌یابد.
- حجاب پدیده‌ای سنتی و ضد ارزش تلقی شده؛ محجبه‌ها، اقشار خاص و کم‌ارزش قلمداد می‌شوند.
- حجاب یک امر شخصی شده و کسی حق دخالت در حجاب دیگران را نخواهد داشت.
- مظاهر حجاب بسیار متکثر می‌شود و عملاً حد و حدود دینی در بین تکثر بسیار زیاد مظاهر حجاب محو می‌شود.
- موضوع حجاب همچنان به عنوان موضوعی مهم و حساسیت برانگیز در جامعه وجود خواهد داشت.

جدول خلاصه مقایسه سه سناریو

سناریوها				موضوع
سناریوی ادامه روند تا ۱۴۰۴	روندهای ۲۵ سال گذشته	بدترین سناریو در ۱۴۰۴	بهترین سناریو در ۱۴۰۴	
افزایشی	افزایشی	افزایشی	ایستا، کاهش	خودنمایی زنان در جامعه
ایستا	ایستا	افزایشی	کاهش	تلقی از حجاب به عنوان امر سنتی
افزایشی	ایستا	افزایشی	افزایشی	شخصی دانستن حجاب
افزایشی	ایستا	افزایشی	ایستا، کاهش	تکثر مظاهر حجاب
افزایشی	افزایشی	افزایشی	ایستا	توجه عمومی به حجاب

نتیجه‌گیری:

در مجموع به نظر می‌رسد در صورتی که روندهای کنونی در حوزه سکولار شدن حجاب همچنان ادامه یابد، مسیر پیش رو به سمت هر چه بیشتر سکولار شدن حجاب در ایران پیش خواهد رفت. هر چند این مسئله الزاماً به بدحجاب شدن جامعه منجر نخواهد شد، ولی در هر حال، حجاب در مسیر بدون بازگشت سکولار شدن قرار خواهد گرفت. با این حال، صورت اجرای صحیح سیاست‌های اصلاحی، از جمله پنج سیاست مفروض در این پژوهش، می‌توان به بهتر شدن وضعیت امیدوار بود. چنانکه در پاسخ نخبگان مشاهده می‌شود، در صورت اجرای صحیح این سیاست‌ها بخش زیادی از عوامل مؤثر بر سکولارشدن حجاب تعدیل شده و در نتیجه، در برخی حوزه‌ها روند افزایشی کنونی به روند ایستا و در برخی دیگر به روند کاهش تبدیل خواهد شد.

با وجود تمام این مسائل، مشکل شخصی شدن دین همچنان وجود دارد. در هر حال، مسئله اصلی پیش روی دین در ایران، شخصی شدن آن است؛ به گونه‌ای که در مسیر پیش رو، حتی متدینین جامعه نیز قائل به بروزات اجتماعی دین نخواهند بود.

پنج سیاست پیشنهادی در این پژوهش، حتی در این حوزه هم اثرگذار نبوده و نیاز به سیاست‌گذاری‌های ویژه احساس می‌شود. محققان با دغدغه اعتلای سبک زندگی اسلامی مبتنی بر منویات مقام معظم رهبری، تلاش کرده‌اند موضوع خاصی از این حوزه را مورد مذاقه و بررسی قرار دهند که مبتنی بر نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌شود یک برنامه جامع و کلان مطالعاتی - راهبردی روی موضوع سکولار شدن و نیز سکولار شدن حجاب انجام گیرد.

منابع:

- افشارپور، سیاوش و ابوطالب عزیزی. (۱۳۸۹). «سکولاریسم و مبانی نظری آن»، دانشگاه شیراز، گروه آموزشی علوم اجتماعی.
- خلفی، مسلم. (۱۳۸۶). «بازنگرشی درون‌دینی به حجاب»، «فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان»، سال دهم، ش ۳۷ (پاییز).
- سبحانی، جعفر. (۱۳۸۷). «عرفی شدن دین»، [بی‌جا]: مؤسسه امام صادق(ع).
- شجاعی زند، علیرضا. (۱۳۸۰). «دین، جامعه و عرفی شدن»، تهران: مرکز.
- عبدالرازق، علی. (۱۳۸۱). «اسلام و مبانی قدرت»، ترجمه امیر رضایی، [بی‌جا]: قصیده سرا.
- کمالی اردکانی، علی‌اکبر. (۱۳۸۸). «بررسی و نقد مبانی سکولاریسم»، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی دانشگاه امام صادق(ع).
- مرتضوی، سیدخلیل. (۱۳۸۸). «اسلام و سکولاریسم»، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- وبر، ماکس. (۱۳۷۱). «اخلاق پروتستانیزم و روح سرمایه‌داری»، ترجمه عبدالمعبود انصاری، تهران: سمت.
- یزدخواستی، بهجت. (۱۳۸۶). «حجاب زنان با رویکرد جامعه‌شناختی»، «فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان»، سال دهم، ش ۳۸ (زمستان).